روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

سه‌شنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۳ • ۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۶ • ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۲۱ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۸:۳۷ • اذان صبح فردا ۴:۱۹ • طلوع آفتاب ۵:۴۴

سنگ‌تراشی در چهارمحال‌وبختیاری از دیرباز جزء هنرهای بومی مردم استان بوده است؛ تا جایی که نمادهایی مثل «شیرِ سنگی» ساخته دست اجداد این سرزمین است. این هنر ـ صنعت اگرچه در زمان حال مورد بی‌مهری قرار گرفته اما طرفداران خود را هنوز حفظ کرده است. عکس: عاطفه گنجی، فارس

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

شبکه‌خوانی

۱۰ یورو فقط برای برخی‌ها

ماجرای دریافت هزینه ۱۰ یورویی از بلیت‌های خارجی جزء مسائلی است که طی روز گذشته بسیاری نسبت به آن واکنش نشان داده‌اند. فردین علیخواه نیز در متنی در شبکه‌های اجتماعی دراین‌باره به نکات جالبی اشاره کرده که بخش‌هایی از آن در ادامه می‌آید:

•••

در رسانه‌ها خواندم که مسافران پروازهای خارجی باید ۱۰ یورو عوارض پرداخت کنند. این پول قرار است برای توسعه و ارتقای خدمات فرودگاهی در فرودگاه‌های بین‌المللی و گسترش زیرساخت‌های فرودگاهی صرف شود. بیایید دسته‌جمعی خوش‌بین باشیم و آرزو کنیم که صرف شود. مگر در این کشور قرار است چند سال بعد مقام و مسئولی گزارش بدهد که صرف شد یا نشد؟ یا اگر شد در چه بخش‌هایی و برای چه منظورهایی صرف شد؟ بگذریم. نکته قابل تأمل آنکه پروازهای به مقاصد شهرهای زیارتی در کشورهایی نظیر عراق، عربستان و سوریه از این قانون مستثنا شده‌اند.

• به عنوان پژوهشگر اجتماعی پرسشی دارم. این مستثناکردن براساس کدام پژوهش میدانی انجام شده است؟ منتشر کنید تا ما هم بهره‌مند شویم. تصمیم‌گیران فکر نکردند که چنین قوانینی ممکن است تبعیض‌آمیز به نظر آید و میان مردم نسبت به یکدیگر قضاوت‌های منفی ایجاد کند؟ اساسا تصمیم‌گیران از کجا متوجه شدند همه کسانی که به مقاصد زیارتی می‌روند، وضع مالی‌شان مانند گروه دیگر نیست و از آنان نباید این ۱۰ یورو را دریافت کرد؟ یا اینکه خواستند به این شکل سفرهای زیارتی را تشویق کنند؟ یعنی عده‌ای از ایرانیان بگویند حالا که سفرهای زیارتی عوارض ۱۰ یورویی ندارد، به سفر زیارتی برویم. یا خواستند کسانی را که به مقاصدی به‌جز سفرهای زیارتی می‌روند، به این شکل تنبیه کنند تا دیگر نروند؟ پرسش دیگر آنکه تصمیم‌گیران از کجا متوجه شده‌اند همه ایرانیانی که به شهرهای زیارتی سفر می‌کنند لزوما به قصد زیارت به این شهرها می‌روند؟ مثلا کسی با این شهرها تجارت نمی‌کند؟ یا در این شهرها شاغل و صاحب درآمد نیست؟

• در طرف دیگر موضوع هم پرسش‌هایی مطرح است. تصمیم‌گیران از کجا می‌دانند که همه کسانی که به مقاصدی به‌جز سفرهای زیارتی می‌روند، وضع مالی خوبی دارند؟ پژوهشی انجام شده است؟ مگر همه کسانی که به سفر خارجی می‌روند، مانند اعضای خانواده برخی مقامات هستند که حتما وضع مالی خوبی داشته باشند؟ برای مثال، آیا همه والدین سالمند یا بازنشسته‌ای که برای دیدن فرزندشان یه سفر می‌روند، وضع مالی مطلوبی دارند؟ و پرسشی دیگر که شاید زودهنگام و بی‌اساس باشد، پیروان سایر ادیان آسمانی که در مجلس شورای اسلامی نماینده دارند اگر بخواهند برای زیارت به شهرهای زیارتی خارج از کشور بروند، چطور؟ مثلا ارمنیان ایرانی اگر بخواهند برای زیارت به کشور ارمنستان بروند هم مستثنا هستند؟ مگر آنان شهروند نیستند؟

• دقیقا چرا در این قانون شهروندان به دو گروه تقسیم شده‌اند و هزینه ارتقا و توسعه خدمات فرودگاهی را فقط یک گروه از آنان باید پرداخت کند؟ و این در حالی است که هر دو گروه از آن بهره‌مند خواهند شد. چرا وظیفه گروهی از شهروندان تأمین منابع مالی گسترش زیرساخت‌هاست و وظیفه گروه دیگر نیست؟ معیار وضع مالی بوده است یا وضع اعتقادی؟ برای نمونه مگر حجاج قرار نیست از این فرودگاه‌ها بهره‌مند شوند؟ چرا آنان نباید مشارکت کنند؟ پرسش دیگر آنکه وقتی تصمیم‌گیران مسائل را این‌قدر ساده می‌بینند چرا از شهروندانی که به شهرهای زیارتی داخل کشور سفر می‌کنند عوارض آزادراهی دریافت می‌کنند؟ مگر زیارت با زیارت فرق دارد؟

• وقتی به دلیل سیاست‌های اشتباه‌تان نمی‌توانید سرمایه‌گذاری خارجی جذب کنید و مانند کشورهای همسایه ایران فرودگاه‌هایی باشکوه و استاندارد در شأن ملت و کشور داشته باشید، هزینة البته نه توسعه و ارتقای خدمات، بلکه نگه‌داشتن فرودگاه‌ها در وضع نابسامان فعلی را از «شهروندان درجه دو» دریافت نکنید.

در محله مرادی

احمدمسجدجامعی

منظورم هوشنگ مرادی‌کرمانی است که خودش و مجیدش را همه می‌شناسیم. این روزها هشتادمین سال تولد او است. مبارک باشد ان‌شاءالله.

یکی دو شب پیش، به خانه‌اش تلفن کردم. خانمی گوشی را برداشت. پس از سلام، پرسیدم: «خانه آقای مرادی است؟» او گفت: «نمی‌دانم قبلا چه کسی اینجا بوده» و با پوزخندی ادامه داد: «ولی ما مستأجریم». نفهمیدم چه شد که پرسید: «خب! با آقای مرادی چه کار دارید؟» شک کردم که واقعا، خانه آقای مرادی است یا نه. اما به هرحال، پاسخ دادم که می‌خواستم هشتادمین سال تولد ایشان را تبریک بگویم. او گفت: «من هم به شما تبریک می‌گویم چه دوست خوبی!». بعد شماره تلفن همراه آقای مرادی را گرفتم، هومن، فرزندشان، پاسخ داد و پس از قدری شوخی و حال‌واحوال سینمایی، گوشی را به پدر داد. ماجرا را گفتم. گفت: «از شما که پنهان نیست، ما دربه‌در هستیم. صاحب همان خانه از طریق دادگاه، حکم تخلیه گرفت و ما را آواره کرده است و ما هرچند وقت یک بار جایی هستیم». پرسیدم: «از آن خانه قدیمی که سه تا از فرزندانتان در آنجا به دنیا آمدند چه خبر؟». گفت: «درِ آن را قفل زده‌اند و امکان آمدوشد نیست». پرسیدم: «چرا؟» پاسخ داد: «تبدیلِ به پاتوق معتادان مکرم شده است». ما به رسم معمول آن سال‌ها در مدیریت شهری، پیشنهاد تملک برخی خانه‌های ارزشمند تاریخی را می‌دادیم. مثل خانه مدرس (که پیش‌ترها، انبار قدیم‌ترین انتشارات سرپای پایتخت، کتاب‌فروشی اسلامیه بود) که در همین کوچه قرار داشت. یا خانه بهبهانی در سرپولک که قرار بود موزه مشروطیت شود. یا خانه‌باغ اتحادیه در لاله‌زار (همان خانه معروف سریال ماندگار «دایی‌جان ناپلئون» جناب تقوایی گرامی) که آن را سنگ‌بنای «خانه تهران» می‌دانستیم و یک فوریت اساسنامه خانه تهران هم در شورای شهر پیشین به تصویب رسید. معمولا این خانه‌ها بزرگ و باشکوه و معمارانه بودند. خانه مدرس را دست آخر بخش خصوصی تملک کرد و خوشبختانه آن عمارت و بنا را به پاساژ تبدیل نکرد و زیر نظر میراث فرهنگی، مرمت و بازسازی شد و اکنون، سرپا و محل رفت‌وآمد شده است. اما خانه مرادی چنین نبود. خانه‌ای کوچک بود. خانه‌ای متواضع. اگر باران می‌بارید، باید این سو و آن سوی اتاق‌ها، تشت و سطل می‌گذاشتند که آب روی فرش‌ها سرازیر نشود. اصلا به همین سبب آن را خریدیم که نویسنده‌ای صاحب‌سبک و خوش‌قلم با طنزی شریف و لطیف و از جنس ایرانی در چنین خانه‌ای سال‌های سال زیسته و نه‌تنها در اینجا صاحب سه فرزند از چهار فرزندش شده، بلکه کتاب‌هایش را در همین خانه نوشته است. کتاب‌هایی که بارها چاپ شده و به بیش از ۲۰ زبان زنده دنیا در زمان حیات پدیدآورنده، ترجمه و سریال قصه‌های مجید او به کارگردانی کیومرث پوراحمد در خاطره ایرانیان ماندگار شده است. خانه‌ای که کل زمین آن، به صد متر نمی‌رسید و فقط ۵۵ متر آن بنای مسکونی بود. اما این همه ماجرا نیست. آقای مرادی در همین خانه به دیسک کمر گرفتار و زمانی در بیمارستان بستری و جراحی شد. داستان ادامه بیماری ایشان در این خانه هم شنیدنی است. «شما که غریبه نیستید» برای چنین بیماری‌هایی باید از دستشویی فرنگی استفاده کرد که آقای مرادی برای تهیه آن پول نداشت. یک صندلی آهنی از کارخانه ارج سابق که محصولاتش قابل اعتماد بود، داشتند. آهنگر محله که ایشان را می‌شناخت، وسط نشیمنگاه آن صندلی را برداشت و بدین‌گونه یک دستشویی فرنگی متحرک ساخت. چون آمدوشد به حمام محله هم در چنین شرایطی سخت بود، دوشی هم در آنجا نصب کرد و همان‌جا شد حمام‌خانه آقای نویسنده. این فقر مالی که بر زندگی ایشان حاکم بود، باعث شد خیلی‌ها تعجب کنند که چرا او کمونیست نشده است و حتی در مستندی که از زندگی او ساخته شد، عنایت فانی پرسیده بود: «چطور شما کمونیست نشدید؟». نمی‌دانم آنجا چه پاسخی داده بود، اما همین مطلب را من هم از او پرسیده‌ام. او گفت: «من دوست دارم دنیا را از پنجره‌های مختلف ببینم، نه از یک پنجره. اما این پاسخ را بالادستی‌ها باور نمی‌کنند؛ ازاین‌رو، وقتی براساس مصوبه شورای شهر خودتان، نام من و باغچه‌بان و بهرنگی و آذریزدی را در چهار کوچه کنار هم نزدیک به ساختمان مرکزی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در خیابان حجاب گذاشتند، پس از یکی دو هفته آن تابلوها را به بهانه اینکه اینها کمونیست‌اند، برداشتند». به شوخی گفتم: «آقای مرادی، تکلیف شما منورالفکرها که معلوم است، اما عجیب‌تر از شما، آقای مهدی آذریزدی است که به مدارس جدید هم نرفته و فقط به مکتب رفته بود با قصه‌های پرخواننده قرآنی‌اش در مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب. نویسنده این کتاب جایزه خادم قرآن از وزارت ارشاد آن سال‌ها را از آن خود کرد، اکنون او هم کمونیست از آب درآمد.

به هرحال آن خانه چنده‌متری آقای نویسنده، پایین سرچشمه در کوچه میرزا محمود وزیر، درست روبه‌روی خانه مدرس، در یک کوچه آشتی‌کنان بن‌بست قرار داشت؛ در همان محله‌ای که بزرگان دیگری هم ساکن بودند. سیدمحمدعلی جمالزاده در نامه‌ای خطاب به مرادی‌کرمانی، از نصیرالملک یاد می‌کند که نخستین وزیر دارایی بود و طبعا، به سبب سمتش با جمالزاده ارتباط داشته. جمالزاده نوشته که او از نخستین مترجمان زبان فرانسه نیز بوده است. خوشبختانه بخشی از خانه میرزا محمود وزیر (که بعدها به دخترش فخرالملوک به ارث رسید)، برادر مرحوم مستوفی‌الممالک، نویسنده کتاب عالمانه و پرآوازه شرح زندگانی من، باقی است. من هم در افتتاح بنای مرمت‌شده آن خانه با نام جدید کافه «نان و نمک» حاضر بودم و صحبتی هم کردم. نکته مهم دیگری که در این مناطق به چشم می‌خورد این است که در آن زمان، شهر تهران تقسیم طبقاتی نشده بود. شاید ازاین‌رو بود که اینها هم کمونیست نمی‌شدند. خانه‌هایی نظیر خانه فقیرانه هوشنگ مرادی‌کرمانی، در کنار خانه اشرافی مدرس، بدر (نصیرالملک)، اعتصام‌الملک، قوام‌الدوله و امین‌اقدس (مالک نخستین زمین‌های اقدسیه امروز) قرار داشت. روزی دوستم، آقای بهرامیان، عضو جوان و توانمند علمی مرکز دائره‌المعارف، از شکستگی و پژمردگی آقای مرادی سخن به میان آورد و ادامه داد که در میان همکاران فرهنگستان زبان و ادب فارسی، هستند دیگرانی که از او سالخورده‌ترند، اما شاداب‌تر و باطراوت‌تر. شاید اگر سخن او نبود این نوشته از لونی دیگر می‌بود. به هرحال، ما می‌خواستیم هشتادمین سال تولد آقای نویسنده را در همان خانه‌ای که آن آثار ماندگار را پدید آورد، برگزار کنیم. امیدوارم روزی، صدمین سال تولدشان را در آنجا برگزار کنیم.

حقوق‌خوانی

وقتی مرگ‌ها زیاد می‌شود

تأثیر عدم تصویب طرح منع شکنجه

مهدی‌کوهیان

حادثه مرگ محمد میرموسوی در بازداشتگاه پلیس لاهیجان که به نظر می‌رسد ناشی از بدرفتاری توسط برخی از افراد نیروهای انتظامی بوده، به طور جدی نقص‌های موجود در نظام حقوقی و اجرائی کشور را به نمایش می‌گذارد. این حادثه، نشان‌دهنده ضرورت اجرای مؤثر اصول حقوق بشری و قوانین مرتبط است. یکی از اصول کلیدی قانون اساسی، اصل سی‌وهشتم، به‌صراحت شکنجه و اجبار به اقرار را ممنوع کرده است و طرح منع شکنجه که در سال ۱۳۸۲ به تصویب مجلس ششم رسید، تلاشی برای تقویت این اصل بود.

اصل سی‌وهشتم قانون اساسی و ضرورت آن: اصل سی‌وهشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاعات را ممنوع کرده و اجبار به شهادت یا اقرار را غیرقانونی می‌داند. این اصل به عنوان یکی از بنیادهای حقوق بشر در نظام حقوقی کشور، از کرامت انسانی و حقوق متهمان محافظت می‌کند و متخلفان از این اصل طبق قانون باید مجازات شوند. عدم تصویب نهایی طرح منع شکنجه و اجرائی‌نشدن آن، موجب شده که رفتارهای غیرقانونی و شکنجه‌گرانه ادامه یابد. مجمع تشخیص مصلحت نظام باید به‌سرعت به رفع اختلاف‌ها و تصویب نهایی این طرح بپردازد.

مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی: در مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی در سال ۱۳۵۸، آیت‌الله محمد بهشتی به‌ویژه بر ضرورت صراحت در ممنوعیت شکنجه تأکید کرد و مخالف هرگونه شرط‌گذاری در این زمینه بود. او بر این نکته تأکید کرد که ممنوعیت شکنجه باید به طور قاطع و بدون هرگونه شرطی در قانون اساسی گنجانده شود تا از بروز هرگونه سوءاستفاده و نقض حقوق بشر جلوگیری شود. این موضع‌گیری نشان‌دهنده اهمیت جلوگیری از شکنجه و بدرفتاری در اصول حقوق بشری نظام جمهوری اسلامی ایران بود.

طرح منع شکنجه و چالش‌های آن: هدف از طرح منع شکنجه که در سال ۱۳۸۲ در مجلس ششم تصویب شد، تکمیل و تقویت اصول موجود در قانون اساسی و ایجاد سازوکارهای اجرائی برای نظارت بر رفتار نیروهای امنیتی و قضائی بود. این طرح شامل تأسیس نهادهای نظارتی مستقل و ایجاد ضمانت‌های اجرائی برای جلوگیری از شکنجه و بدرفتاری با متهمان بود. به‌ویژه، ماده ۲ طرح پیش‌بینی می‌کرد که «شکنجه و بدرفتاری با متهمان تحت هیچ شرایطی مجاز نیست» و ماده ۳ تأکید می‌کرد «تمامی مقامات و مسئولین موظف به گزارش موارد نقض این مقررات هستند». بااین‌حال، این طرح هنوز به تصویب نهایی نرسیده و عدم تصویب نهایی آن موجب ادامه نقض حقوق بشر شده است. مجمع تشخیص مصلحت نظام باید به‌سرعت این طرح را در دستور کار قرار دهد.

تطبیق حادثه با منشور حقوق شهروندی و قانون احترام به آزادی‌های مشروع: منشور حقوق شهروندی به‌ویژه در بخش‌های زیر به طور مستقیم به حقوق و آزادی‌های شهروندان اشاره دارد:

- ماده ۶ منشور تصریح می‌کند که «شکنجه و بدرفتاری با شهروندان تحت هر عنوانی ممنوع است». این ماده به طور صریح به رعایت کرامت انسانی و عدم تعرض به حقوق فردی تأکید دارد.

- ماده ۸ بیان می‌کند «دولت موظف است به حقوق فردی و اجتماعی شهروندان احترام بگذارد و از هرگونه رفتار غیرانسانی جلوگیری کند».

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز به طور خاص به حقوق شهروندی و جلوگیری از نقض آن پرداخته است:

- ماده ۱ این قانون به‌صراحت می‌گوید: «تمامی نهادهای عمومی و غیرعمومی موظف به احترام به حقوق شهروندان و جلوگیری از نقض آنها هستند».

- ماده ۲ تأکید می‌کند: «هرگونه شکنجه و بدرفتاری با شهروندان تحت هر شرایطی ممنوع است و نقض این اصول باید پیگیری و مجازات شود».

حادثه مرگ محمد میرموسوی به‌وضوح با این اصول مغایرت دارد. رفتار خشونت‌آمیز و شکنجه‌ای که در بازداشتگاه با میرموسوی انجام شده، نشان‌دهنده نقض صریح این قوانین است. اگر منشور حقوق شهروندی و قانون احترام به آزادی‌های مشروع به طور کامل و مؤثر اجرا می‌شد، احتمالا از این حادثه می‌توانست از طریق نظارت‌های مؤثر و ضمانت‌های اجرائی پیشگیری شود.

اهمیت اجرای مؤثر طرح منع شکنجه: اجرای مؤثر طرح منع شکنجه می‌توانست به طور مستقیم از وقوع فجایع انسانی مانند مرگ محمد میرموسوی جلوگیری کند. این طرح با تأسیس نهادهای نظارتی مستقل و ضمانت‌های اجرائی، از حقوق متهمان محافظت کرده و مانع از رفتارهای غیرقانونی و شکنجه‌گرانه می‌شد. به همین دلیل، تصویب نهایی این طرح توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان اقدامی ضروری برای جلوگیری از تکرار چنین حوادثی است.

نتیجه‌گیری: حادثه مرگ محمد میرموسوی به‌وضوح نشان‌دهنده ضعف در اجرای اصول حقوق بشری و ضرورت‌های قانونی است. عدم تصویب نهایی و اجرای طرح منع شکنجه به عنوان یک خلأ قانونی باعث شده است موارد شکنجه و بدرفتاری همچنان ادامه داشته باشد. تصویب و اجرای این طرح برای تضمین حقوق بشر و حفظ کرامت انسانی در کشور ضروری است و مجمع تشخیص مصلحت نظام باید با توجه به اهمیت این موضوع، تصویب نهایی این طرح را در اولویت قرار دهد تا از وقوع فجایعی مشابه جلوگیری شود و اصلاحات جدی در سیستم حقوقی و امنیتی کشور به اجرا درآید.

۱۳ هزار نفر

ایلنا از ادامه قطع مستمری ۱۳ هزار معلول و مددجوی بهزیستی خبر داده است. طبق این خبر، در اردیبهشت قول داده شد که از خردادماه این افراد به چرخه حمایتی برگردند که مشخص شده است سازمان بهزیستی علاقه‌ای به انجام این کار ندارد. این قطع مستمری، پس از دادن مسئولیت پرداخت مستمری‌ها به سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها رخ داده بود.

۹۰ درصد

نتایج یک بررسی حاکی از آن است که ۹۰ درصد دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها در مشاغلی غیرمرتبط با رشته تحصیلی‌شان اشتغال دارند. مرتضی افقه، اقتصاددان، در گفت‌وگو با فرارو گفته است: «متأسفانه یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در کشور ما این است که غیرعادی‌ها، عادی شده‌اند. اصلا عادی نیست که انبوهی از جوان‌ها، عمر گران‌بهای خود را هدر می‌دهند».

۶۶ درصد

قیمت رسمی نان در تهران بین ۴۰ تا ۶۶ درصد افزایش یافته و لواش ۴۰ درصد، بربری ۳۹ درصد و سنگک ۶۶ درصد افزایش قیمت پیدا کرد. این افزایش قیمت در آغاز دولت چهاردهم رخ داد. یکی از مسئولان این تغییر قیمت به تابناک گفت: «هرساله به خاطر مسائل سیاسی که صدای اعتراض مردم بلند نشود نرخ‌ها را دست نمی‌زنند، درحالی‌که هزینه برای نانوایان روند افزایشی دارد».

هنر خوانی

۳۰۰ سینماگر پرونده قضائی دارند

فردا روز ملی سینماست. چندسالی بود که تبدیل به یک روز در تقویم شده بود، اما امسال قرار است با توجه به مشکلات و شرایط سختی که یادگار سال‌های گذشته است، چند برنامه فرهنگی به‌جای یک جشن برگزار شود. برای بیان برخی از جزئیات، نشستی مطبوعاتی با حضور رسول صدرعاملی و شادمهر راستین در خانه سینما برگزار شد.

در ابتدای نشست «پاسداشت فرهنگی روز ملی سینما» رسول صدرعاملی، سخنگوی خانه سینما، سعی کرد به سؤالی که ذهن بسیاری را درگیر کرده بود، پاسخ بدهد. سؤال برخی این بود که چه تغییری رخ داده که قرار است مجموعه برنامه فرهنگی به‌جای جشن روز ملی سینما برگزار شود؟ اما او این سؤال را مطرح کرد: «چه شد این جشن به پاسداشت فرهنگی روز ملی سینما تغییر کرد؟» و سپس پاسخ داد: «آخرین باری که ما جشن خانه سینما را برگزار کردیم به سال ۱۳۹۸ برمی‌گردد و پس از آن به دلیل کرونا و حوادث سال ۱۴۰۱، چند سال هیچ مراسمی نداشتیم. اگر قرار بود مانند گذشته جشن بگیریم، باید آثار را داوری می‌کردیم و جوایزی اهدا می‌کردیم اما متوجه شدیم که این شرایط عادلانه نیست». به گزارش روابط عمومی خانه سینما، او ادامه داد: «حدود ۳۰۰ نفر از همکاران ما به دلایل شرایط سیاسی و اجتماعی و امنیتی، پرونده باز قضائی دارند و امکان بازی و فیلم‌سازی ندارند و همچنان گرفتار هستند. در جلسه با وزیر ارشاد مهم‌ترین مسئله ما اشاره به پرونده‌های باز سینماگران بود. ایشان وعده داد به‌سرعت با کمک تیم حقوقی وکلای خانه سینما به موضوع رسیدگی کند. ازاین‌رو تصمیم گرفتیم تا زمانی که شرایط همکارانمان این‌گونه است این ماراتن را برگزار نکنیم؛ اما همواره هم در این فکر بودیم که سینما از دل جامعه جدا نشود؛ به همین دلیل تصمیم گرفتیم مراسم پاسداشت فرهنگی روز ملی سینما را به این شکل، در سطح شهر تهران و به کمک نهادهای مردمی برگزار کنیم». صدرعاملی گفت: «در این یک هفته بزرگداشت‌هایی برای مهرجویی و کیومرث پوراحمد و سایر عزیزانی که میان ما نیستند خواهیم داشت. همچنین مراسم‌های رونمایی از کتاب برگزار خواهد شد. امیدواریم بتوانیم سینما را به دوران اوج خودش بازگردانیم».

شادمهر راستین با اشاره به اینکه شیوه جدید برگزاری مراسم روز ملی سینما نیاز به حمایت رسانه‌ها دارد، به سؤال مهم تغییر نحوه مراسم پاسخ داد و گفت: «می‌خواهیم فاصله میان مردم و سینما را جبران کنیم». او به برنامه‌هایی که در موزه بتهوون، نشر ثالث، سینماتک، فرهنگان و راوی برگزار می‌شود، اشاره کرد و گفت: «با حمایت فیلم‌خانه سکانس‌هایی از ۱۰۰ فیلم بازسازی‌شده دهه‌های ۷۰ و ۸۰ انتخاب شده و در بسته‌های ۳۰دقیقه‌ای آماده نمایش در سینماتک است». همچنین مجموعه‌ای از آنونس‌های دهه ۶۰ از فیلم‌های خاطره‌انگیز قرار است ارائه شود و به سینمای مستند نیز توجه شود. اما سعی شده زنان سینماگر نیز در این هفته فراموش نشوند و کلیپ‌هایی درباره زنان در سینمای ایران و برای تجلیل از آنها پخش خواهد شد. رسول صدرعاملی تأکید کرد: «قرار است یادآوری کنیم زنان چه در عرصه بازیگری و چه در عرصه کارگردانی و چه در حوزه‌های دیگر همواره تأثیر شگرفی داشته‌اند».

اما این میزگرد فرصتی بود تا دو خبر نیز ارائه شود؛ صدرعاملی گفت: «بحث معیشت در سینمای ایران بسیار جدی است. کمتر از ۱۰ درصد بازیگران و فیلم‌سازان درآمد بسیار بالایی دارند و باقی حتی معیشت متوسطی هم ندارند. ما نباید جلوی آن ۱۰ درصد را بگیریم، باید این شرایط را برای باقی افراد فراهم کنیم. این رنجی که هنرمندان متحمل می‌شوند خانواده آنها را هم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به همین دلیل ما به دنبال شرایطی هستیم که بیمه بی‌کاری را برای هنرمندان تأمین کنیم». او همچنین خبر داد که انجمن بازیگران برای اولین‌بار توانسته یک قانون برای حضور و همکاری بازیگران کودک و نوجوان در شبکه نمایش خانگی و سینما مدون کند.

خانه سینما با همکاری مراکز فرهنگی، هفته پاسداشت فرهنگی روز ملی سینما را از ۱۸ تا ۲۶ شهریور در مراکز فرهنگی شهر برگزار می‌کند.